

سال دوم، شماره پنجم، تابستان ۱۳۹۲

## تحلیلی بر مسائل اجتماعی - فرهنگی موثر بر حاشیه نشینی (مطالعه موردی، شهر ساری)

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۲/۶/۶

محمد جواد زاهدی<sup>۱</sup>، هوشنگ ناییبی<sup>۲</sup>، پروانه دانش<sup>۳</sup>، حسین نازک تبار<sup>۴\*</sup>

### چکیده

حاشیه‌نشینی پدیده‌ای است که عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و در نرخ پایین‌تر امنیتی در پیدایش آن نقش دارند و از دو گروه بنیادی دفع‌کننده روستا و جذب‌کننده شهر نشأت می‌گیرد. هدف اصلی تحقیق این است که چه مسائل اجتماعی - فرهنگی بر روی حاشیه‌نشینی تاثیر دارد؟ روش تحقیق، اسنادی و پیمایشی بوده و حجم نمونه نیز برابر با ۳۸۴ نفر از حاشیه‌نشینان ساکن اطراف شهر ساری بوده که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و تصادفی ساده انتخاب شدند. داده‌ها در این تحقیق با روش تحلیل همبستگی و مدل معادلات ساختاری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS و Lisrel استفاده شد. نتایج و تحلیل همبستگی نشان داد که بین عوامل مهاجرت، کیفیت مسکن، کسب معیشت، اوقات فراغت، وضعیت کالبدی فضایی و میزان تعلق اجتماعی با اطمینان ۹۹٪ درصد و سطح خطای کم‌تر از ۱٪ درصد با حاشیه‌نشینی رابطه معناداری وجود دارد. هم‌چنین نتایج تحلیل معادلات ساختاری نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل قدرت پیش‌بینی حاشیه‌نشینی را دارند. حاشیه‌نشینی، ناشی از مشکلات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، عدم دسترسی مناسب به امکانات بهداشتی - آموزشی و ارتباط ضعیف با فرهنگ شهرنشینی می‌باشد که این عوامل سبب شده تا حاشیه‌نشینان را در معرض مسائل اجتماعی - فرهنگی قرار دهد.

**مفاهیم کلیدی:** حاشیه‌نشینی، مهاجرت، اوقات فراغت، کالبدی - فضایی، تعلق اجتماعی.

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور

۲. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

۳. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور

۴. \*نویسنده مسئول، دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه پیام‌نور

**(۱) مقدمه**

حاشیه‌نشینی<sup>۱</sup> و زاغه‌نشینی پدیده‌ای است که به دنبال تحولات ساختاری و بروز مسائل اجتماعی- فرهنگی در بیش‌تر کشورهای جهان به ویژه کشورهای در حال توسعه پدیدار گردیده است. این مشکل شهری صرفاً مساله کالبدی و فیزیکی نبوده و از عوامل کلان ساختاری در سطح ملی و منطقه‌ای ناشی می‌شود. حاشیه‌نشینی را می‌توان نوعی سکونت در فضای شهری دانست که در تمامی ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، کالبدی و حقوقی با سایر انواع سکونت موجود در شهر تفاوت‌های اساسی را نشان می‌دهد (Coit, 1994:116). حاشیه‌نشینی در واقع حاصل اشتغال حاشیه مهاجرین است که به موجب آن هرگز دستمزد آن‌ها تکافوی یک زندگی حداقل در درون شهر به آن‌ها را نمی‌دهد (حسامیان و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱۲). در واقع انقلاب صنعتی سبب هجوم مهاجران به نقاط شهری در جهان گردید و بخشی از این جمعیت شهری نتوانستند استانداردهای لازم را برای یک زندگی شهری تأمین کنند. این گروه با هجوم به حومه‌ها زمینه گسترش حاشیه‌نشینی را فراهم کردند و آن را تبدیل به معضلی برای همه شهرهای جهان نمودند (Habitat, 2009; Martinez & et al, 2008). در ایران نیز پس از ورود و استقرار سرمایه‌داری وابسته، حاشیه‌نشینی به‌وجود آمد و رشد آن عمدتاً از سال ۱۳۲۰ به بعد شدت یافت (زاهد زاهدانی، ۱۳۶۹: ۲). با رشد حاشیه‌نشینی شهری در محدوده استحفاظی شهرها در قالب آلونک‌نشینی، زاغه‌نشینی، کپر‌نشینی، حلبی‌آباد، حصیرآباد، زورآباد، مفت‌آباد، مفتی‌ها و مانند این‌ها، مشکلات و چالش‌های کشور آغاز می‌شود (حاج یوسفی، ۱۳۸۱: ۲۰). لذا، طی چند دهه اخیر شهرنشینی در ایران از رشد شتابانی برخوردار بوده است. یکی از پیامدهای این رشد شتابان، شکل‌گیری حاشیه‌ها و محلات اسکان غیر رسمی در اطراف شهرهاست. شهرسازی نیز از پدیده حاشیه‌نشینی بی‌بهره نیست. حاشیه‌نشینان اطراف این شهر در محله‌هایی چون راهبند، جوکی محله، فرهنگ شهر شکل گرفته‌اند. از یک طرف، نسبت قابل توجه حاشیه‌نشینان و از طرف دیگر، بافت اجتماعی- اقتصادی آن، مطالعه روی این پدیده را ضروری می‌نماید. مقاله حاضر بر آن است که مسائل اجتماعی- فرهنگی موثر بر حاشیه‌نشینی را در شهرسازی مشخص نماید و بتواند با ارائه راهکارهای مناسب جهت رهایی از این مشکل به بهبود وضعیت آنان پردازد. از این رو، تحقیق حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به سوالات زیر است که به دنبال این سوالات، فرضیه‌های تحقیق شکل گرفته است:

(۱) آیا شکل‌گیری محله‌های حاشیه‌نشین متأثر از مسائل اجتماعی و فرهنگی است؟

---

## 1. Shanty town

۲) چه رابطه‌ای بین مسائل اجتماعی- فرهنگی و حاشیه نشینی در شهر ساری وجود دارد؟

## ۲) پیشینه تحقیق

در بین مطالعات داخلی و خارجی صورت گرفته در زمینه حاشیه‌نشینی می‌توان به برخی از پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

نقدی و زارع (۱۳۹۱) در یک پژوهش میدانی به بررسی حاشیه‌نشینی به مثابه آپاندیست شهری در جعفرآباد کرمانشاه پرداختند. یافته‌ها بیانگر آن است که بیش از هفتاد درصد سکنه در خانه‌های با بیش از ۵ نفر زندگی می‌کنند. نزدیک به تمامی (۹۷ درصد) خانه‌ها به صورت قولنامه‌ای تملک شده و برخورداری از آب، گاز و برق بالاست. نرخ بیکاری بالا و ناپایداری شغلی به همراه تنوع مشاغل کارگری ویژگی بارز ساکنان است. اسماعیلی و امید (۱۳۹۱) در تحقیقی به بررسی تجربه حاشیه‌نشینی از دیدگاه حاشیه‌نشینان پرداختند. این تحقیق به بررسی تجارب زیسته ساکنان محله اسلام آباد تهران از زندگی در این مکان پرداخته شده است. این پژوهش از نوع تحقیقات کیفی است و به روش پدیدارشناسی انجام شد. یافته‌های حاصل از تجارب زیسته ساکنان، در قالب ۷ مضمون استخراج شدند. در این تحقیق مشخص شد که درک و تجربه حاشیه نشینان از سکونت در این مکان، دقیقاً همان درکی نیست که دیگران از این تجربه دارند. اضطراب دائمی به دلیل عدم مالکیت زمین و مسکن و بی‌اطلاعی از تصمیمات مسئولان درباره‌ی نحوه رفتار با این مناطق و ساکنان آن‌ها همواره حاشیه‌نشینان را در عذاب دائمی نگه می‌دارد. شاطریان و اشنویی (۱۳۹۲) نیز در یک مطالعه میدانی به بررسی عوامل موثر بر شکل‌گیری حاشیه نشینی در شهر کاشان پرداختند. نتایج به دست آمده از تحقیق نشان می‌دهد میان عوامل جاذبه شهر کاشان و عوامل دافعه محل سکونت قبلی با حاشیه نشینی رابطه وجود دارد. الدرینگ و نورث (۲۰۰۷) به بررسی حاشیه نشینی جوانان مهاجر و عوامل خطر در زندگی روزمره آن‌ها در اروپای غربی پرداخته‌اند. این تحقیق بیان می‌کند که جوانان مهاجر حاشیه‌نشین، نسبت به جوانان بومی بیشتر در معرض خطر هستند. مشکلات و مسائل خانواده‌های مهاجر در اروپای شمال غربی، به ویژه جوانان مهاجر را که مواجه با اولین دوره پس از مهاجرت هستند را نشان می‌دهد. یافته‌های این پژوهش بیان می‌کند که خانوارهای مهاجر به محض رسیدن به مقصد دچار تعارض و ناهماهنگی فرهنگی می‌شوند (Aldering & et al, 2007).

در این تحقیق سعی خواهد شد ضمن استفاده از نتایج تحقیقات صورت گرفته در این زمینه با رویکرد جامعه شناختی به تبیین مسائل اجتماعی- فرهنگی موثر بر حاشیه‌نشینی شهر

ساری پرداخته شود و در پایان راهکارهایی برای ساماندهی وضعیت حاشیه‌نشینان ارائه گردد.

### (۳) چارچوب نظری

بحث حاشیه‌نشینی، از دیرباز مورد توجه ادیان و مکاتب فکری و فلسفی بوده است. اندیشمندان و محققان بسیاری با دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلف و گاه متفاوت به موضوع حاشیه‌نشینی پرداخته و آن را مورد بررسی قرار داده‌اند. از جمله این دیدگاه‌ها، می‌توان به نظریه‌های مارشال کلینارد (۱۹۶۶) و مکینتاش (۱۹۸۱) اشاره کرد.

کلینارد معتقد است که «حاشیه‌نشینی بر اثر رشد شهرها حاصل می‌آید. به این صورت که در مراحل اولیه رشد، مرکز شهرها محل سکونت افراد متمول و طبقه بالاست ولی کم‌کم با گسترش مناطق تجاری و صنعتی در این محل، آن‌هایی که وضع بهتری دارند از مرکز شهر به سمت خارج حرکت کرده و دور از مرکز شهر زندگی می‌کنند. کارگران و گروه‌های فقیر و کم‌درآمد به این منطقه مرکزی می‌آیند و ساکن آن می‌شوند» (کلینارد، ۱۹۶۶: ۱۸). مکینتاش (۱۹۸۱) چهار عامل را در مورد گودنشینی مورد توجه قرار می‌دهد: «محیط فیزیکی اطراف خانه، شرایط فیزیکی خانه، صاحب خانه و ساکنین آن، هم‌چنین او معتقد است که با بهبود شرایط فیزیکی، می‌توان به مسأله گودنشینی پایان داد» (زاهد زاهدانی، ۱۳۶۹: ۱۵).

این‌گونه نظریه‌های حاشیه‌نشینی فقط به ابعاد فیزیکی مسئله اشاره دارد و به صرف مشاهده فیزیکی، مسائلی چون فقر و تبعیض نژادی، مهاجرت و نابرابری‌های اقتصادی، بدون توجه به عوامل اجتماعی و اقتصادی تعیین‌کننده آن‌ها، قابل تبیین نخواهد بود.

نظریه‌های جامعه‌شناختی، حاشیه‌نشینی را معلول مسائل کلی نظام جهانی می‌داند که با توجه به شرایط تاریخی خاص ظهور و گسترش یافته است (مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۵۰: ۱۲۱). طبق این نظریه، عامل حاشیه‌نشینی در کشورهای در حال توسعه مهاجرت است: «در کشورهای در حال توسعه، شهرهای بزرگ دارای حاشیه‌نشینی هستند. این شهرها با سیل عظیم مهاجرین روستایی روبرو هستند و شهر به عنوان یک متوقف‌کننده در مورد آنها عمل می‌نماید. اولین عامل حاشیه‌نشینی، اقتصاد و بعد از آن، عوامل فرهنگی و اجتماعی است» (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵). پارک با اشاره به برخوردهای فرهنگی و نژادی ناشی از مهاجرت، این پدیده را یکی از علل تحقق حاشیه‌نشینی قلمداد می‌کند. در این نظریه اگرچه به مسائل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی حاشیه‌نشینی اشاره می‌شود اما جایگاه عوامل اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در به‌وجود آوردن مسأله حاشیه‌نشینی روشن نبوده و تکیه اصلی آن بر مهاجرت است. شاید بتوان گفت که مهاجرت مکانیزمی (سازوکار) است که گاهی باعث

حاشیه‌نشینی می‌شود. اما علت تامه حاشیه‌نشینی نیست (پارک، ۱۹۸۲: ۸۸۱). جامعه‌گرایان جدید نیز پدیده حاشیه‌نشینی را نتیجه نابرابری‌های اقتصادی- اجتماعی می‌دانند. اینان معتقدند که به دلیل بروز کمبودها و نارسایی تسهیلات زیربنایی، اجتماعی و کالبدی، محله‌های حاشیه‌نشین شکل می‌گیرند (حاج یوسفی، ۱۳۸۱: ۱۷). از نظر جامعه‌شناسان گروه‌ها و طبقاتی که مسلط بر منابع کمیاب اجتماعی شهری‌اند به موقعیت « زیست در متن» دست می‌یابند و در حیات جمعی نقش سوژگی ایفا می‌کنند. این خود مستلزم به حاشیه رانده شدگی طبقاتی است که در وضعیت « زیست در حاشیه» به سر می‌برند و در گستره فعالیت‌های شهری نقشی نیمه فعال یا غیرفعال دارند (ربانی و دیگران، ۱۳۸۳: ۸۳). مانوئل کاستلز حاشیه‌نشینی شهری را مولود نابرابری‌های اقتصادی- اجتماعی و شهرنشینی ناهمگون می‌داند (آقابخشی، ۱۳۸۲: ۱۸۹). در مجموع، در این تحقیق، با ترکیب نظریه‌های حاشیه‌نشینی و پیشینه تجربی تحقیق، حاشیه‌نشینی بر اساس شش متغیر مهاجرت، کیفیت مسکن، کسب معیشت، اوقات فراغت، وضعیت کالبدی فضایی و تعلق اجتماعی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. این شش متغیر به صورت مدل تحلیلی در شکل شماره (۱) نشان داده شده‌اند.



شکل ۱. مدل نظری تحقیق

با توجه مدل نظری تحقیق، به ارائه فرضیه‌های ذیل پرداخته می‌شود:

- (۱) به نظر می‌رسد بین مهاجرت و حاشیه‌نشینی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- (۲) به نظر می‌رسد بین کیفیت مسکن و حاشیه‌نشینی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- (۳) به نظر می‌رسد بین کسب معیشت و حاشیه‌نشینی رابطه معنی‌داری وجود دارد.
- (۴) به نظر می‌رسد بین اوقات فراغت و حاشیه‌نشینی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

- (۵) به نظر می‌رسد بین وضعیت کالبدی فضایی و حاشیه‌نشینی رابطه معنی‌داری وجود دارد.  
(۶) به نظر می‌رسد بین میزان تعلق اجتماعی و حاشیه‌نشینی رابطه معنی‌داری وجود دارد.

## (۴) روش‌شناسی تحقیق

### ۴-۱) روش تحقیق

برای انجام این تحقیق، از روش‌شناسی تحقیق کمی استفاده شده است و روش تحقیق مورد استفاده در آن نیز، اسنادی و پیمایشی می‌باشد. با توجه به این‌که این تحقیق درصدد مطالعه حاشیه‌نشینان بوده و متغیرها در سطح فرد مورد سنجش و بررسی قرار گرفته‌اند، بنابراین، واحد تحلیل آن "فرد" است. در ضمن، جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات از طریق ابزار پرسش‌نامه انجام گرفته است. متغیرهای مستقل تحقیق شامل مهاجرت، کیفیت مسکن، کسب معیشت، اوقات فراغت، وضعیت کالبدی- فضایی و میزان تعلق اجتماعی و متغیر وابسته حاشیه‌نشینی است.

در این تحقیق، سنجش میزان اعتبار<sup>۱</sup> ابزار اندازه‌گیری از طریق روش اعتبار محتوا (اعتبار صوری) و به عبارت دقیق‌تر اعتبار نظری و مطابقت آن با مطالعات نظری و برخی صاحب‌نظران انجام گرفته است. برای تعیین پایایی<sup>۲</sup> پرسش‌نامه‌ها از روش آلفای کرونباخ با کمک نرم افزار spss استفاده شد. آلفای کرونباخ برای مقیاس‌های مهاجرت ۰/۷۱ درصد، کیفیت مسکن ۰/۸۱ درصد، کسب معیشت ۰/۷۴ درصد، اوقات فراغت ۰/۷۶ درصد، وضعیت کالبدی- فضایی ۰/۸۳ درصد، میزان تعلق اجتماعی ۰/۸۵ درصد و حاشیه‌نشینی ۰/۷۶ درصد محاسبه شده که نشان از پایایی مناسب آن‌ها دارد.

### ۴-۲) جامعه آماری، حجم نمونه و شیوه نمونه‌گیری

جامعه آماری تحقیق را حاشیه‌نشینان ساکن اطراف شهر ساری با جمعیتی بالغ بر ۶۷۰۰ نفر تشکیل می‌دهند. حجم نمونه براساس فرمول کوکران برابر با ۳۸۴ نفر محاسبه گردید. از لحاظ شیوه نمونه‌گیری نیز، در این مطالعه، از تلفیقی از شیوه‌های نمونه‌گیری خوشه‌ای (خوشه‌هایی از مناطق، نواحی و بلوک‌های مختلف) و تصادفی ساده به منظور انتخاب حاشیه‌نشینان و تکمیل پرسش‌نامه در میان آن‌ها استفاده شد.

---

1. alidity  
2. Reliability

### ۴-۳) تحلیل آماری

داده‌های حاصل از پرسش‌نامه‌های تکمیل شده در بین حاشیه‌نشینان شهر ساری، با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS و Lisrel مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. برای شناسایی توزیع متغیرهای وابسته و مستقل تحقیق، از آمار توصیفی استفاده شد. برای آزمون فرضیات تحقیق مبنی بر ارتباط بین متغیرها، از همبستگی پیرسون و جهت بررسی تعیین تاثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شد.

### ۵) یافته‌های پژوهش

#### ۵-۱) یافته‌های توصیفی (بافت نمونه آماری)

۱- **تحصیلات:** ۵/۸ درصد از حاشیه‌نشینان دارای تحصیلات دانشگاهی (کاردانی و بالاتر) بوده‌اند. همچنین، ۹۴/۲ درصد از حاشیه‌نشینان از تحصیلات غیردانشگاهی (دیپلم و پائین‌تر) برخوردار بوده‌اند.

۲- **شغل:** در بین ۳۶/۷ درصد از حاشیه‌نشینان بیکار و ۲۶ درصد کارگر بوده‌اند. در ضمن، ۳/۳ درصد از حاشیه‌نشینان دارای شغل کارمند و ۴۶ درصد از آنان، دارای شغل آزاد بوده‌اند.

۳- **درآمد:** ۶۷ درصد پاسخ‌گویان درآمد ماهیانه‌شان را زیر دویست هزار تومان، ۱۹/۴ درصد بین ۲۰۱ تا ۴۰۰ هزار تومان و ۱۳/۶ درصد بالاتر از ۴۰۱ هزار تومان بیان داشته‌اند.

۴- **هزینه:** ۴۶ درصد پاسخ‌گویان هزینه ماهیانه‌شان را زیر دویست هزار تومان، ۲۲/۸ درصد بین ۲۰۱ تا ۴۰۰ هزار تومان و ۳۱/۲ درصد بالاتر از ۴۰۱ هزار تومان اعلام داشته‌اند.

جدول ۱. توزیع نسبی پاسخ‌گویان بر حسب ویژگی‌های زمینه‌ای

متغیر	طبقات	درصد	متغیر	طبقات	درصد
تحصیلات	زیر دیپلم	۴۶.۷	شغل	بیکار	۳۶.۷
	دیپلم	۴۷.۵		کارگر	۲۶
	فوق دیپلم	۲.۵		کارمند	۳.۳
	لیسانس و بالاتر	۳.۳		آزاد	۴۶
کل		۱۰۰	کل		۱۰۰
درآمد	پائین‌تر از ۲۰۰ هزار تومان	۶۷	هزینه	پائین‌تر از ۲۰۰ هزار تومان	۴۶
	۲۰۱-۴۰۰ هزار تومان	۱۹.۴		۲۰۱-۴۰۰ هزار تومان	۲۲.۸
	بالاتر از ۴۰۱ هزار تومان	۱۳.۶		بالاتر از ۴۰۱ هزار تومان	۳۱.۲
کل		۱۰۰	کل		۱۰۰

### ۵-۲) یافته‌های حاصل از آزمون همبستگی

در تحقیق حاضر پس از جمع آوری داده‌ها و اطلاعات لازم به وسیله پرسش‌نامه، همگی آن‌ها کدگذاری شده سپس وارد نرم افزار Spss شدند. برای بررسی ارتباط بین متغیر وابسته (حاشیه‌نشینی) و متغیرهای مستقل از همبستگی پیرسون استفاده شده که نتایج آن در جدول شماره ۲ مشاهده می‌شود. نتایج تحلیل همبستگی نشان می‌دهد که بین متغیرهای مهاجرت، کیفیت مسکن، کسب معیشت، اوقات فراغت، وضعیت کالبدی- فضایی و میزان تعلق اجتماعی با حاشیه نشینی، با اطمینان ۹۹٪ درصد و سطح خطای کم‌تر از ۱٪ درصد، رابطه معناداری وجود داشته است، بدین معنا که مهاجرت، سهولت تهیه مسکن و در پی آن کیفیت پایین مسکن، پایین بودن درآمد و نبود کسب معیشت، نداشتن اوقات فراغت، استقرار حاشیه‌نشینان در بافت‌های قدیمی و زمین‌های غیرقانونی (نامناسب بودن وضعیت کالبدی- فضایی) و پایین بودن تعلق اجتماعی آنان به فرهنگ و جامعه منجر به حاشیه‌نشینی گردیده که نشان دهنده تایید فرضیه‌ها و ارتباط بین متغیرها است.

جدول ۲. آزمون ضریب همبستگی پیرسون

متغیرها	مقدار آزمون	مقدار احتمال (P)
مهاجرت و حاشیه نشینی	۰/۶۷	۰/۰۱
کیفیت مسکن و حاشیه نشینی	۰/۵۶	۰/۰۱
کسب معیشت و حاشیه نشینی	۰/۶۱	۰/۰۱
اوقات فراغت و حاشیه نشینی	۰/۴۴	۰/۰۱
وضعیت کالبدی فضایی و حاشیه نشینی	۰/۶۶	۰/۰۱
میزان تعلق اجتماعی و حاشیه نشینی	۰/۵۳	۰/۰۱

### ۵-۲) تحلیل یافته‌های حاصل از معادلات ساختاری

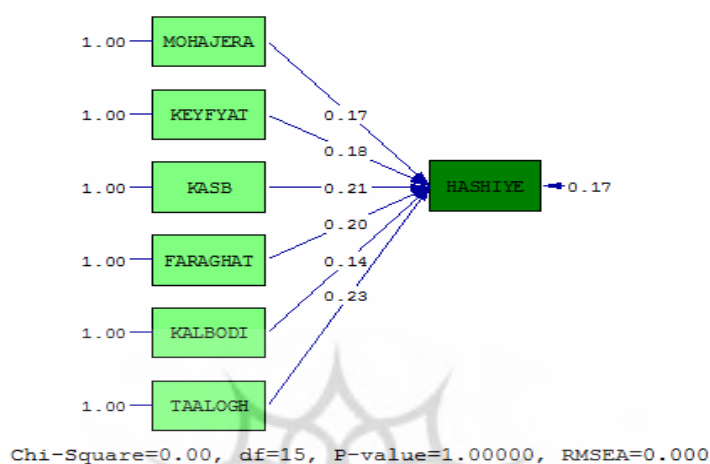
به منظور تحلیل داده‌ها و جهت بررسی تعیین تاثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته، از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شده که فرضیه‌های این تحقیق نیز با استفاده از نرم افزار لیزرل (Lisrel) مورد ارزیابی و سنجش قرار گرفته‌اند.

#### ۵-۲-۱) نمودار ضرایب مسیر

نمودار ضرایب مسیر، ارتباط کلی بین متغیرهای مکنون و غیرمکنون را با یکدیگر در یک مدل نشان می‌دهد، در نمودار شماره ۱، ضرایب مسیر تحقیق موجود، نشان داده شده است.



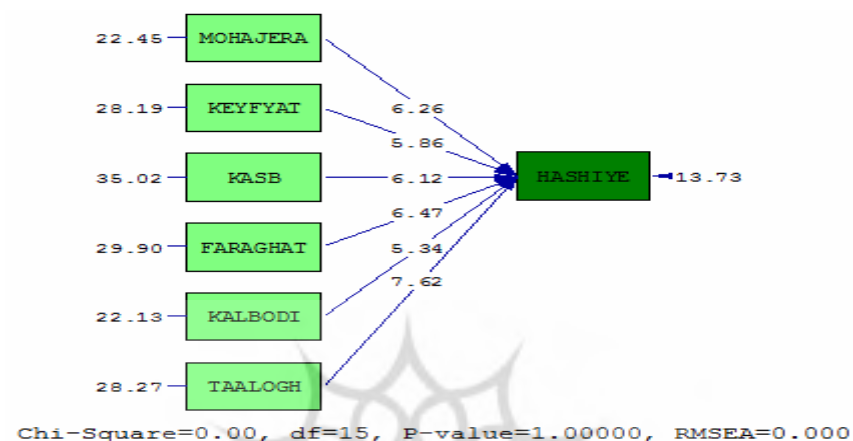
اعداد روی فلش‌ها، نشان دهنده ضرایب مسیر مربوطه بین متغیرها می‌باشد که با استفاده از نرم افزار لیزرل به دست آمده است.



نمودار ۱. ضرایب مسیر در حالت استاندارد

با توجه به نمودار شماره ۲، مشاهده می‌شود که به ازای یک واحد افزایش در مهاجرت، حاشیه نشینی ۰/۱۷ واحد افزایش می‌یابد و همچنین به ازای یک واحد افزایش در کیفیت مسکن، حاشیه نشینی ۰/۱۸ واحد افزایش می‌یابد و همچنین به ازای یک واحد افزایش در کسب معیشت، حاشیه نشینی ۰/۲۱ واحد افزایش می‌یابد و نیز به ازای یک واحد افزایش در اوقات فراغت، حاشیه نشینی ۰/۲۰ واحد افزایش می‌یابد و به ازای یک واحد افزایش در وضعیت کالبدی فضایی، حاشیه نشینی ۰/۱۴ واحد افزایش می‌یابد و به ازای یک واحد افزایش در میزان تعلق اجتماعی، حاشیه نشینی ۰/۲۳ واحد افزایش می‌یابد.

۲-۲-۵) نمودار مقادیر آماره T



نمودار ۲. ضرایب مسیر در حالت معنی‌داری

نمودار شماره ۲، مقادیر آماره آزمون را برای هر ضریب نشان می‌دهد. در این جا، برای هر پارامتر در مدل یک مقدار T مشاهده شده، به دست می‌آید و می‌توان این گونه تفسیر کرد که زمانی که تعداد نمونه بیش‌تر از ۳۰ عدد باشد و T مشاهده شده بیش‌تر از ۱/۹۶ باشد با بیش از ۹۵ درصد اطمینان، رابطه بدست آمده معنی‌دار است.

۳-۲-۵) نتایج مدل ساختاری

۱-۳-۲-۵) آزمون‌های نیکویی برازش

جدول ۳. مقدار شاخص‌های برازش و نتیجه برازش مدل ساختاری

ردیف	شاخص برازش	مقدار قابل قبول	مقدار مدل	نتیجه برازش
۱	$\chi^2/df$	کمتر از ۲ عالی کمتر از ۳ مناسب	۰.۰۰	عالی
۲	RMSEA	کمتر از ۰/۰۶ عالی کمتر از ۰/۰۸ مناسب	۰.۰۰	مناسب
۴	AGFI	بیشتر از ۰/۹	۰.۹۱	مناسب
۵	GFI	بیشتر از ۰/۹	۰.۹۰	مناسب

با توجه به نتایج به دست آمده در جدول شماره ۳، می‌توان گفت الگوی تحقیق برآزش خوبی از داده‌های دنیای واقعی داشته است. در ادامه میزان اثرگذاری مستقیم هر یک از ابعاد سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی کارکنان بر اساس خروجی نرم افزار ارائه خواهد شد. چنان که خروجی معادلات ساختاری و آزمون T نشان می‌دهند از میان ۶ مسیری که در بین متغیرهای مکنون مستقل و متغیرهای مکنون وابسته وجود دارند، تمامی مسیرها معنی‌دار می‌باشند. جدول شماره ۴ نتایج آزمون فرضیه‌ها را نشان می‌دهد.

جدول ۴. شاخص‌های برآزش الگوی اندازه گیری

نتیجه آزمون	مقایسه با مقدار بحرانی	ضریب تی	ضریب استاندارد	فرضیه
قبول	$۶.۲۶ > ۱.۹۶$	۶.۲۶	۰.۱۷	مهاجرت تاثیر مثبت و معناداری بر حاشیه نشینی دارد.
قبول	$۵.۸۶ > ۱.۹۶$	۵.۸۶	۰.۱۸	کیفیت مسکن تاثیر مثبت و معناداری بر حاشیه نشینی دارد.
قبول	$۶.۱۲ > ۱.۹۶$	۶.۱۲	۰.۲۱	کسب معیشت تاثیر مثبت و معناداری بر حاشیه نشینی دارد.
قبول	$۶.۴۷ > ۱.۹۶$	۶.۴۷	۰.۲۰	اوقات فراغت تاثیر مثبت و معناداری بر حاشیه نشینی دارد.
قبول	$۵.۳۴ > ۱.۹۶$	۵.۳۴	۰.۱۴	وضعیت کالبدی فضایی تاثیر مثبت و معناداری بر حاشیه نشینی دارد.
قبول	$۷.۶۲ > ۱.۹۶$	۷.۶۲	۰.۲۳	میزان تعلق اجتماعی تاثیر مثبت و معناداری بر حاشیه نشینی دارد.

اکنون با استفاده از تجزیه و تحلیل‌های انجام گرفته، مطابق جدول شماره ۴، فرضیه‌ها مورد آزمون قرار گرفته و نتایج زیر حاصل گردیده است:

فرضیه اول پژوهش، مهاجرت تاثیر مثبت و معناداری بر حاشیه نشینی دارد که با توجه به نتایج حاصل از تحلیل داده در باب رابطه بین متغیر مهاجرت و حاشیه نشینی می‌توان گفت ضریب مسیر برابر است با ۰/۱۷ و مقدار T بدست آمده برای این ضریب  $۱/۹۶ > ۶/۲۶$  می‌باشد که این مقدار در سطح ۰/۰۵ معنادار می‌باشد. در نتیجه ادعای محقق مورد تایید واقع شده است و با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت مهاجرت تاثیر مثبت و معناداری بر حاشیه نشینی دارد.

فرضیه دوم پژوهش، کیفیت مسکن تاثیر مثبت و معناداری بر حاشیه نشینی دارد که با توجه به نتایج حاصل از تحلیل داده در باب رابطه بین متغیر کیفیت مسکن و حاشیه نشینی می‌توان گفت ضریب مسیر برابر است با ۰/۱۸ و مقدار T بدست آمده برای این ضریب  $۱/۹۶ > ۵/۸۶$  می‌باشد که این مقدار در سطح ۰/۰۵ معنادار می‌باشد. در نتیجه ادعای محقق مورد تایید واقع شده است و با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت کیفیت مسکن تاثیر مثبت و معناداری بر حاشیه نشینی دارد.

فرضیه سوم پژوهش، کسب معیشت تاثیر مثبت و معناداری بر حاشیه‌نشینی دارد که با توجه به نتایج حاصل از تحلیل داده در باب رابطه بین متغیر کسب معیشت و حاشیه‌نشینی می‌توان گفت ضریب مسیر برابر است با  $0/21$  و مقدار  $T$  بدست آمده برای این ضریب  $1/96 > 6/12$  می‌باشد که این مقدار در سطح  $0/05$  معنادار می‌باشد. در نتیجه ادعای محقق مورد تایید واقع شده است و با اطمینان  $95\%$  می‌توان گفت کسب معیشت تاثیر مثبت و معناداری بر حاشیه‌نشینی دارد.

فرضیه چهارم پژوهش، اوقات فراغت تاثیر مثبت و معناداری بر حاشیه‌نشینی دارد که با توجه به نتایج حاصل از تحلیل داده در باب رابطه بین متغیر اوقات فراغت و حاشیه‌نشینی می‌توان گفت ضریب مسیر برابر است با  $0/20$  و مقدار  $T$  بدست آمده برای این ضریب  $1/96 > 6/47$  می‌باشد که این مقدار در سطح  $0/05$  معنادار می‌باشد. در نتیجه ادعای محقق مورد تایید واقع شده است و با اطمینان  $95\%$  می‌توان گفت اوقات فراغت تاثیر مثبت و معناداری بر حاشیه‌نشینی دارد.

فرضیه پنجم پژوهش، وضعیت کالبدی فضایی تاثیر مثبت و معناداری بر حاشیه‌نشینی دارد که با توجه به نتایج حاصل از تحلیل داده در باب رابطه بین وضعیت کالبدی فضایی و حاشیه‌نشینی می‌توان گفت ضریب مسیر برابر است با  $0/14$  و مقدار  $T$  بدست آمده برای این ضریب  $1/96 > 5/34$  می‌باشد که این مقدار در سطح  $0/05$  معنادار می‌باشد. در نتیجه ادعای محقق مورد تایید واقع شده است و با اطمینان  $95\%$  می‌توان گفت وضعیت کالبدی فضایی تاثیر مثبت و معناداری بر حاشیه‌نشینی دارد.

فرضیه ششم پژوهش، میزان تعلق اجتماعی تاثیر مثبت و معناداری بر حاشیه‌نشینی دارد که با توجه به نتایج حاصل از تحلیل داده در باب رابطه بین متغیر میزان تعلق اجتماعی و حاشیه‌نشینی می‌توان گفت ضریب مسیر برابر است با  $0/23$  و مقدار  $T$  بدست آمده برای این ضریب  $1/96 > 7/62$  می‌باشد که این مقدار در سطح  $0/05$  معنادار می‌باشد. در نتیجه ادعای محقق مورد تایید واقع شده است و با اطمینان  $95\%$  می‌توان گفت تعلق اجتماعی تاثیر مثبت و معناداری بر حاشیه‌نشینی دارد.

## (۶) بحث و نتیجه‌گیری

حاشیه‌نشینی از مسائل مهم شهرنشینی در کشورهای جهان به ویژه کشورهای در حال توسعه است. حاشیه‌نشینان که به دلیل مشکلات قانونی ساخت و ساز در حاشیه شهر و همچنین مشکلات مالی خود توان ایجاد منطقه مسکونی مناسبی ندارند در نقاط مختلف

فضاهایی می‌سازند که به مرور به محل تجمع معضلات شهری تبدیل می‌شوند. رشد جامعه شهری در چند مرکز بزرگ به صورت مستمر ادامه دارد و موج دایم مهاجران به سوی چند شهر بزرگ در حال افزایش است. شهر ساری به عنوان یکی از قطب‌های جاذبه جمعیت و مرکزیت استان، مقصد عمده مهاجرت داخلی بوده است. اگرچه از نتایج بارز مهاجرت‌ها (به‌ویژه از روستا به شهر) در کوتاه مدت رفع کمبود نیروی کار در مناطق بزرگ شهری است ولی از سوی دیگر در بلند مدت باعث افزایش تقاضا برای کالاها و خدمات و در نتیجه ازدیاد تقاضای کل در جامعه شهری می‌شود.

نتایج تحلیل همبستگی نشان داد که ساکنین مناطق حاشیه‌نشین در اطراف شهر ساری عوامل مهاجرت، کیفیت مسکن، کسب معیشت، اوقات فراغت، وضعیت کالبدی- فضایی و میزان تعلق اجتماعی (متغیرهای مستقل) از مسائل اجتماعی- فرهنگی موثر بر حاشیه‌نشینی (متغیر وابسته) اعلام کرده‌اند. لذا بین متغیرهای مستقل وابسته با اطمینان ۹۹٪ درصد و سطح خطای کم‌تر از ۱٪ درصد رابطه معناداری وجود دارد که نشان دهنده تأیید تمام فرضیه‌های تحقیق می‌باشد. همان‌طور که پارک عامل مهاجرت را یکی از علل اصلی حاشیه‌نشینی دانسته است (پارک، ۱۹۸۲: ۸۱). از سوی دیگر، ودل بیان می‌دارد پایین بودن ارزش ملک، پایین بودن کیفیت مسکن، پایین بودن اجاره بهای مسکن از دلایل اصلی شکل‌گیری منطق حاشیه‌نشین است. مساله تأمین و دسترسی آسان‌تر به سر پناه در مناطق حاشیه‌نشین، به عنوان یک عامل اقتصادی موثر سبب می‌شود تا گروه‌های مهاجر و کم درآمد شهری، مناطق مذکور را برای اسکان ترجیح دهند که در واقع منطبق با یافته‌های تحقیق است (ودل، ۲۰۰۲: ۱۳).

علاوه بر این، همگام با مطالعات داخلی قبلی (نقدی و زارع، ۱۳۹۱ و شاطریان و اشتویی، ۱۳۹۲، اسماعیلی و امیدی، ۱۳۹۱) و الدرینگ و نورث (۲۰۰۷)، نتایج تحقیق حاضر نشان داد که نتایج تحلیل معادلات ساختاری نشان می‌دهد متغیرهای مستقل قدرت پیش‌بینی متغیر وابسته یعنی حاشیه‌نشینی را دارند، یعنی عوامل جاذبه شهر و عوامل دافعه محل سکونت قبلی بر حاشیه‌نشینی تأثیر دارد و می‌توان این عوامل را در بروز پدیده حاشیه‌نشینی پیش‌بینی کرد. براساس نتایج حاصله از این مقاله می‌توان راهکارهایی جهت مقابله با رشد حاشیه‌نشینی ارائه داد:

اجرای طرح سامان‌دهی حاشیه‌نشینی در ساری یکی از راهکارهایی بود که در سال ۱۳۸۹ برای نخستین بار ۵۵ خانوار از حاشیه نشینان این شهر به روش مسالمت‌آمیز با اسکان در مناطق جدید زندگی تازه‌ای را آغاز کردند. این گروه حاشیه‌نشین که جمعیتی بالغ بر ۴۳۶ نفر متشکل از ۲۰۲ نفر مرد و ۲۳۴ زن و کودک هستند، همگی از یک قوم مهاجر ایرانی هستند که

بیش از نیم قرن با شرایط نامطلوب از نظر سکونت و با کم‌ترین امکانات رفاهی و بهداشتی در یکی از محلات شهرستان ساری اقامت گزیده بودند. در نخستین اقدامات انجام شده، طرح خرید زمین‌های منطقه با قیمت کارشناسی به نرخ روز، معرفی محل مناسب جهت سکونت افراد، فراهم کردن شرایط جهت تحصیلات اجباری برای فرزندان افراد مورد نظر در مدارس دولتی و هم‌چنین در نظر گرفتن آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و اختصاص وام‌هایی با بهره کم جهت اشتغال در مؤسسات کارفرمایی و خوداشتغالی، مطرح که مورد قبول حاشیه‌نشینان نیز قرار گرفته است. لذا، نگاه سطحی و برخورد سلیقه‌ای با پدیده حاشیه‌نشینی به هیچ وجه نمی‌تواند از رویش سکونتگاه‌های خودرو ممانعت کند. تجربه نشان داده است که با اعمال فشار و محدودیت و محرومیت نمی‌توان به معضل حاشیه‌نشینی پایان داد، زیرا این تهیدستان شهری، سرپناهی را که این گونه ایجاد کرده‌اند، تنها سرمایه و دارایی خود می‌دانند و تا پای جان از آن محافظت می‌کنند.

امروزه، تقریباً تمام کارشناسان مسائل توسعه بر این باورند که رشد نامتعادل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موجب نابرابری‌ها و عدم توازن شهر و روستا می‌شود و در پی آن گروه‌های متعدد روستاییان به شهرها مهاجرت می‌کنند و در شهرها نه جذب فعالیت‌های اقتصادی شهرها می‌شوند و نه به جامعه و فرهنگ شهری می‌پیوندند. این افراد بیگانه از فرهنگ و جامعه شهری و فاقد هرگونه مهارت هستند تا در اقتصاد شهرها جذب شوند. بنابراین، برای مهار حاشیه‌نشینی و یا به حداقل رساندن آن، مناسب‌ترین راه حل مبارزه و مقابله با عوامل ایجاد حاشیه‌نشینی از جمله، رشد نامتعادل اقتصادی در بخش‌های صنعت و خدمات است. از این رو پیشنهاد می‌گردد تعامل سه گروه اساسی به عنوان سه ضلع مثلث برای رفع مشکلات امنیتی و اجتماعی حاشیه‌نشینی تشکیل گردد: ضلع اول دولت مردان و سیاست‌مداران، ضلع دوم اندیشمندان و کارشناسان حوزه شهری، آسیب‌های شهری و حاشیه‌نشینی و ضلع سوم خود مردمی که در حاشیه‌ها زندگی می‌کنند. بنابراین، همگام با مطالعات داخلی قبلی (اسماعیلی و امیدی، ۱۳۹۱) برای رسیدن به بهبود وضعیت حاشیه‌نشینی نمی‌توان بدون همکاری مداوم و مستمر خودشان و بدون بررسی اذهان مردمان درگیر به قضاوت نشست و مسائل حاشیه‌نشینی را بررسی کرد و منطقی‌ترین راه، بررسی تجارب و آگاهی‌های کنشگران درگیر یعنی حاشیه‌نشینی است.

## منابع

- آقابخشی، سعید و همکاران (۱۳۸۲)، حاشیه نشینی و اسکان غیر رسمی، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- اسماعیلی، رضا و امیدی، مهدی (۱۳۹۱)، بررسی تجربه حاشیه نشینی از دیدگاه حاشیه نشینان: یک مطالعه پدیدارشناسانه، مجله مطالعات شهری، سال دوم، شماره سوم، تابستان، صص ۱۷۹-۲۰۸.
- حاجیوسفی، علی (۱۳۸۱)، حاشیه نشینی شهری و فرایند تحول آن، فصلنامه هفت شهر، سال سوم، شماره هشتم.
- حسامیان، فرخ و دیگران (۱۳۸۸)، شهرنشینی در ایران، تهران: انتشارات آگاه.
- زاهد زاهدانی (۱۳۶۹)، حاشیه نشینی، شیراز: انتشارات شیراز.
- ربانی، رسول و احمد پالیزدان (۱۳۸۳)، بررسی عوامل اجتماعی موثر در فرهنگ پذیری مهاجرین شهر فیروزآباد، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه مازندران، ویژه علوم اجتماعی، سال چهارم، شماره چهاردهم.
- شاطریان، محسن و اشنویی، امیر (۱۳۹۲)، عوامل موثر بر شکل گیری حاشیه نشینی در شهر کاشان، فصلنامه انجمن جغرافیای ایران، دوره جدید، سال یازدهم، شماره ۳۶.
- نقدی، اسدالله و زارع، صادق (۱۳۹۱)، حاشیه نشینی به مثابه آپاندیست شهری، سال دوم، شماره ۵، صص ۶۵-۸۱.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن.
- Clinard, Marshal.B (1966), Slum and Community Development, The free Press, New York.
- Coit, K. (1994), Self – Help Housing for The Poor, A Cross, Cultural Study, Cities, No 11.
- Eldering, L. Knorth, J. E. (2007): Marginalization of Immigrant Youth and Risk Factor in Their Everyday Lives: The European Experience. Journal of Child and Youth Car Forum, Vol. 27: No. 3, pp. 153-169.
- Habitat, UN. (2009): Annual report 2009 / United Nations Human Settlements Programme.
- Martinez, Javier, Gora Mboupb, Richard Sliuzasa and Alfred Steina. (2008), Trends in urban and slum indicators across developing world cities, 1990–2003. Habitat International, Vol 32, pp 86–108.
- Park, Robert, E (1982), Human migration and marginal man, American Journal of Sociology, Vol. 33.
- Vedeld T. Abhay S. (2002), Livelihoods and Collective Action among slum Dwellers in a Mega-city (New Delhi). Available on ww.dlc.dlib.indiana.edu.